

در گفت‌وگوی اختصاصی با رئیس پلیس متروی تهران تشریح شد

# شگرد باند کوچولوها برای سرقت در مترو



اوضاع قمر در عقربی است. از یک طرف واویلاي کرونا و دردسرهايش که نه تنها ایران که کل جهان را نیمه فلج کرده، از طرف دیگر آدم‌هایی که بی‌توجه به تاخت‌وتاز کووید-۱۹ و کسب‌وکارهایی که به خاطر آن خوابیده، نقشه می‌کشند تا سر دیگران کلاه بگذارند یا جیب‌شان را خالی کنند. برای این آدم‌ها فرقی نمی‌کند خیلی‌ها بیکار شده باشند، برایشان اهمیت ندارد بعضی‌ها گوشی تلفن همراهشان را با جمع کردن پول ماهانه خریده باشند، برای آنها مهم نیست پول داخل جیب‌کت و کیف مسافران مترو، شاید هزینه چند روز زندگی خانواده آنها باشد. جماعت سارق به تنها چیزی که فکر می‌کند، پولی است که از این مسیر نامشروع به دست می‌آورد.

شاید تا مدتی کار و بارشان سکه باشد، اما این مسیر همیشگی نیست و بالاخره به دام پلیسی می‌افتند که همواره با چشمانی نامحسوس در پی آنها است. سرهنگ سعید عطاءاللهی، رئیس پلیس متروی پایتخت در گفت‌وگو با تپش از دستگیری باند ۱۲ نفره‌ای خبر می‌دهد که سرکردگان آن با آموزش سرقت و جیب‌بری به کودکان جیب مسافران مترو را خالی می‌کردند.

لیلا حسین زاده

تپش

**در مورد این باند توضیح دهید. کودکان با چه سنینی عضو این باند بودند و چه کسانی آنان را هدایت می‌کردند؟**

در این باند ۱۲ نفره، هم دخترها فعالیت می‌کردند و هم پسرها. دختران، بین ۶ تا ۱۴ و پسرها هم بین ۶ تا ۱۵-۱۶ سال دارند. بعضی از این کودکان از یک خانواده هستند. یعنی فرض کنید از یک خانواده، چهار کودک در این باند مشغول انجام اعمال مجرمانه بودند.

اینها به یک استان خاص تعلق دارند که نام آن را نمی‌برم تا ذهنیت خاصی نسبت به آن ایجاد نشود. این کودکان، گروه سازمان‌یافته‌ای بودند که پس از دریافت آموزش از سرکردگان خود، مرتکب جرم می‌شدند. وضعیت کودکان به گونه‌ای بود که افراد عادی به هیچ وجه به آنها شک نمی‌کردند و به فکرشان هم خطور نمی‌کرد آنها در پوشش تکدیگری و دستفروشی، اقدام به سرقت کنند. سرکردگان آنان نیز از همان طایفه خودشان بودند که آنها را آموزش می‌دادند، اما بر اساس اطلاعات و تحقیقات انجام شده، آنان خود وارد این کار نمی‌شدند و اغلب در سطح شهر اقدام به جیب‌بری و سرقت می‌کردند. این کودکان، غالباً به صورت ترکیبی و در قالب تیم‌های چهار، پنج و دونفره مرتکب اعمال مجرمانه می‌شدند، یعنی به‌طور مثال دو دختر، دو پسر یا دو سه دختر با یک پسر با همکاری هم، دست به سرقت می‌زدند. ضمن این‌که همه اینها با هم نسبت فامیلی دارند.

**بچه‌ها چطور سوژه‌های خود را شناسایی می‌کردند؟**

دختران بیشتر مسؤولیت شناسایی سوژه‌ها را به عهده داشتند و دنبال این بودند بدانند فرد مقابل‌شان افغانی تبار است یا خیر، زیرا بیشتر اتباع بیگانه و افغان را هدف اعمال مجرمانه خود قرار می‌دادند. شکل کار نیز به این نحو بود که دختران پس از شناسایی سوژه، نزد آن فرد رفته و با او گپ می‌زدند تا اغفالش کنند. سپس در فرصتی مناسب و زمانی که قرار بود در قطار بسته شود، یکی از پسر بچه‌ها، شیء قیمتی، مدارک یا گوشی تلفن همراه آن فرد را در یک لحظه می‌زد و فرار می‌کرد. او به‌گونه‌ای لحظه سرقت و فرار را تنظیم می‌کرد که در قطار بسته شود و کسی نتواند او را تعقیب کند.

**سرقت‌ها را به چه شکل انجام می‌دادند؟**

در مترو تعداد زیادی دستفروش وجود دارد، اما بعضی از آنها مثل افراد این باند در پوشش دستفروشی، دستگاه کارتخوان دارند و با آن اقدام به سرقت می‌کنند. به‌عنوان مثال، وقتی مشتری کالایی به ارزش ۲۰ هزار تومان از دستفروش قلابی این باند خریداری می‌کرد، کارتتش را به او می‌داد تا در دستگاه کارتخوان بکشد.

او هم کارت را می‌کشید و با این‌که عملیات بانکی موفقیت‌آمیز بود، اما دستفروش قلابی باند، دستش را روی محل خروج رسید بانکی دستگاه کارتخوان قرار می‌داد و مانع خروج رسید می‌شد و می‌گفت کارت عمل نکرده و دوباره کارت را کشیده و با وارد کردن رمزی که قبلاً از مشتری پرسیده بود، این بار ۲۰ هزار تومان از کارت او بیرون می‌کشید. سپس دستش را از روی خروجی دستگاه برمی‌داشت و به‌جای رسید ۲۰ هزار تومانی، رسید ۲۰ هزار تومانی از دستگاه کارتخوان خارج می‌شد و آن را به مشتری می‌داد. درواقع این فرد به‌جای ۲۰ هزار تومان، ۲۲۰ هزار تومان از حساب مشتری کلاهبرداری می‌کرد. در شگرد دوم، آنها پس از شناسایی سوژه موردنظر، خود را روی پاهای مسافران احساساتی می‌انداختند. سپس در زمان افزایش جمعیت و درست لحظه‌ای که مسافران می‌خواستند از قطار پیاده شوند، یک نفر به سوژه نزدیک می‌شد و مدارک، تلفن همراه یا اشیای دیگرش را سرقت و به سرعت فرار می‌کرد. اینها به قدری فرز و چابک بودند که کسی نمی‌توانست تعقیب یا دستگیرشان کند.

**چه مدت طول کشید تا پلیس اعضای این باند را دستگیر کرد؟**

بر اساس اخبار و اطلاعات رسیده از شهروندان، ما عناصر اطلاعاتی را بسیج و با چهره‌زنی، رصد فیلم‌ها و تصاویر دوربین مداربسته، این باند را شناسایی کردیم. در مجموع دستگیری این باند یک سال به طول انجامید. **این باند بیشتر در چه خطوطی از مترو مرتکب اعمال مجرمانه می‌شدند؟** بیشتر این افراد در ایستگاه‌های خط یک، خط چهار و اغلب در ایستگاه‌های پرتدد مانند ایستگاه امام خمینی و تئاتر شهر که حجم جمعیت مسافران بالاست، فعالیت می‌کردند. گاهی حتی تا ایستگاه شهید بهشتی نیز ممکن بود سوژه خود را تعقیب کنند.

**چه چیزهایی بیشتر سرقت می‌کردند؟**

گوشی تلفن همراه، کیف پول، اشیاء، کارت ملی و مدارک. در بازرسی از یکی از این سارقان، شش، هفت گوشی پیدا کردیم. برای ما جالب بود که بسیاری از شهروندان وقتی متوجه می‌شدند مبلغ سرقت شده از سوی سارقان، چندان چشمگیر نیست، شکایت نمی‌کردند. این سارقان کوچک بسیار زرنگ و چابک بودند.

**چرا می‌گویید زرنگ؟**

به دلیل آموزش‌های خاصی که دیده بودند. اینها پس از انتخاب سوژه خود، شروع به ارزیابی وضعیت او می‌کردند و دنبال این بودند تا بدانند او از اتباع ایران است یا

خیر. اگر وجه ا توانایی تعقیب انتخاب می‌کرد جمعیت و وقت آنها برای اعمال **سرکرده** خیر کسی که او در دست بررسی **کودکان** چون بچه‌ها زی **برای امور** با صاحبان گو **در خارج از** توضیح دهید **در بحث جیب** مترو مواجه بو **پس می‌ت** بله، کرونا تأثی **در سایر**



سرکرده‌های باند  
با شناسایی کودکان  
و نوجوانان، روش‌های  
سرقت را به آنها  
آموزش داده  
و مجبورشان می‌کردند  
که در پوشش  
دستفروش در مترو  
از مسافران  
جیب‌بری کنند

